

جشنواره ملی جماران

هم آفرینی ملی حلقه های میانی
در راستای شکل دهی حرکت عمومی
در گام دوم انقلاب اسلامی

بیت الزهرا (س)

سرکار خانم

مریم صاحبی نژاد





بیت الزهرا (س)

بیت الزهرا طرحی بود که نوشته شد و به مدت یک سال کلا روی این طرح کار شد که باید چگونه روی این طرح کار کنیم، باید از کجا شروع شود، چگونه باشد، به مدت یک سال جلسات ثابت و هفتگی برگزار می شد، روی نقطه ضعف ها و نقطه قوت ها کار می شد تا این که بعد از یک سال به مرحله اجرا رسید، وقتی که به مرحله اجرا رسید افرادی که روی این طرح کار می کردند گفتن از خودمان شروع کنیم، اول خودمان اجرایش کنیم و اگر در مرحله اجرا هم نقصی داشت دوباره بتوانیم نقص ها را کمتر کنیم و بیشتر روی نقطه قوت هایش کار کنیم. این شد که خانم هایی که زیاد نبودند و شاید سه چهار نفر بودند خودشان بیت الزهرا را راه انداختند، در همان محله خودشان خانه خودشان را بیت الزهرا کردند، بیت الزهرا یک طرح محله ای بود که آن خانمی که خانه اش را در اختیار حضرت زهرا (س) قرار می دهد همسایه هایش را دعوت می کند. اگر مثال بزنم من در محله خودمان گفتم که می خواهم خانه ما بیت الزهرا باشد، با گفتگوی رو در رو به همسایه ها صحبت کردم، دعوتشان کردم، آمدند و استقبال کردند و شروع شد که حالا چگونه باشد. یک نفر بانی می شود و یکی از کارهای مهمی که باید انجام داده شود این است که حتما بانی باید متاهل باشد چون مباحثی برای آموزش هایش داریم که مختص آن هایی است که یک خانواده ای دارند. خانمی بانی شد، کنارش هم از حوزه علمیه کمک گرفتیم چون برای مباحثی که باید تدریس داده و آموزش می شد به افرادی نیاز داشتیم که تخصص و آگاهی های لازم را دارند. در مورد شروع کار بیت الزهرا بگویم آن



خانم هایی که اول شروع کردند خودشان طلبه بودند و تخصص لازم را داشتند، هم به عنوان بانی و هم به عنوان سخنان بیت الزهرا شروع به کار کردند. طبق ساختار جلورفتند تا این که رفته رفته کار گسترش پیدا کرد؟ چگونه گسترش پیدا کرد؟ مثلاً خانم های زیادی بودند که به فعالیت کردن علاقه مند بودند، می خواستند یک کاری کنند اما فضا و مکان ندارند و نمی دانند باید چه کار کنند. با این ها صحبت می کردیم و بیت الزهراها را کامل معرفی می کردیم، ایشان قبول می کردند که داخل محله هایشان بانی بیت الزهرا شوند. اوایل تعداد بیت الزهراها خیلی کم بود تا این که طرح به یکسری افراد رسید، دقیقاً اسمش یادم نیست ولی طرح را گرفتند و خدمت حضرت آقا بردند، حضرت آقا طرح را کاملاً خواندند و خیلی از این طرح استقبال کردند و دستور دادند که این طرح در کل کشور پیاده شود. اوایل اینطور بود که دانه به دانه سراغ مردم می رفتیم، محله به محله دنبال این می گشتیم که کسی پیدا شود خانه اش را در اختیار حضرت زهرا (س) قرار بدهد و ما برایشان سخنان بفرستیم و مطالبی در حوزه همسرداری، تربیت فرزند و فرزند آوری و مسائل مختلف انجام شود. خدا را شکر الان خیلی گسترش پیدا کرد، از خود استان در آمد و به چند استان دیگر هم انتقال پیدا کرد، الان شهرستان های ما معمولاً تعدادی بیت الزهرا دارند، خوشبختانه روز به روز هم خانم های زیادی مراجعه می کنند که ما تمایل داریم همکاری کنیم، ما به آن ها صحبت می کنیم که چه کاری انجام دادند، در چه زمینه ای هستند، می خواهند چه کار کنند. تنها چیزی که خیلی روی آن کار می کنیم خانم ها پای کار بیایند و فعالیتی که دوست دارند انجام دهند، بیت الزهراست، خدا را شکر خیلی استقبال کردند. امسال

در حدود همین یک ماه نزدیک به ۱۰، ۱۲ بیت الزهرا هست که تعدادی از آن‌ها افتتاح شده و ما به نیت امام رضا (ع) هشت تای دیگر را گذاشتیم که در دهه کرامت افتتاح کنیم. مناطقی هم در استان هست که مناطق آسیب پذیری هستند، در آن منطقه کم بیت الزهرا داریم و اگر اشتباه نکنم این مرحله نزدیک ۱۸ تا دارند و روی این محله کار می‌کنیم، خانم‌هایی که می‌دانیم و می‌شناسیم و با ما همکاری دارند و داخل این محله هستند. چون که محله بسیار آسیب پذیر است در حال کار روی این منطقه هم هستیم که ان شاء الله تغییرات حاصل شود. اول کار از یکسری آدم‌های کنشگر شروع شد، وقتی یک مقدار پیشرفت کرد و افراد زیادتر شدند، این‌های تبدیل به حلقه‌های میانی شدند، خانم‌ها خودشان مشکلات محله خودشان را حل می‌کردند، مسئله اعتیاد بود یا مثلا خانم‌ها می‌گفتند در محله مان فلان خانم می‌خواهد ازدواج کند و کمبود جهیزیه دارد، در خود بیت الزهرا صحبت می‌کردند و هر کدام از خانم‌ها یک بخش و یک چیزی سر خانه و زندگی‌شان رفتند یا مثلا در بعضی محلات ما خانم‌های بارداری بودند که می‌خواستند بچه‌شان را به خاطر مشکلات مالی و این‌که نمی‌توانند سیسمونی‌اش را تهیه کنند سقط کنند، ما به آن‌ها قول دادیم این کار را انجام می‌دهیم و حمایتشان خواهیم کرد و خدا را شکر باز هم این اتفاق توسط بانی‌های بیت الزهرا و خود بچه‌های مجموعه اتفاق افتاد و الان ماهانه هم به آن‌ها گوشت داده می‌شود هم این‌که شناسایی‌هایشان بیشتر می‌شود و هم این‌که آن خانم‌ها دیگر تصمیم گرفتند و با حمایت‌هایی که از طرف خود محله بود دست به چنین کاری نزدند. یا این‌که در محلات بیت الزهراهایی که اعضائی داشتند که باز هم در خود بیت



الزهراهایشان افرادی را پیدا می کردند که مثلا مشکل مشکل مثلا، باز هم به کمک هم، حالا مثلا ماهانه یا فصلی یا مناسبتی، بسته ی معیشتی می رساندند. از طرفی هم دوباره در محلات بحث مثلا مشکلات و اختلافاتی پیش آمد که نیاز به مشاور و این ها دارد.

بعد از طریق خب یک تعدادی مشاورانی که با ما همکاری دارند؛ این ها مثلا هر هفته، حالا یک بار، دو بار، خودشان دیگر مشخص می کنند که در هفته چند ساعت می توانند به عنوان خادم یار امام رضا(ع) به «بیت الزهرا» های ما مثلا یا کمک کنند؛ اگر که این ها توانایی داشتند، می توانستند همراه آن سخنران به آن محله می رفتند، مسائل مختلفی، چالش های مختلفی که توسط آن بانی یا توسط آن سخنران شناسایی می شد را آموزش های لازم را می دادند، یا همین که مثلا نمی شد رفت، آن ها را ما می پذیرفتیم و رایگان به این ها خدمات می دادیم. و اینکه خب اقدامات زیادی در «بیت الزهرا» ها قرار گرفت؛ بعد از اینکه حالا دیگر خیلی تعداد «بیت الزهرا» ها زیاد شد.

بعد، اعضای «بیت الزهرا» خودشان یک ساختار دارند، که آن کسی که می خواهد بانی بشود و «بیت الزهرا» را تشکیل بدهد، اول اینکه باید رضایت همسرش را داشته باشد. وقتی رضایت همسرش باشد، حالا می آید، ما یک صحبتی با این ها انجام می دهیم، یک تعهد می دهند که ما رضایت کامل داریم. بعد وقتی برای این ها توضیح داده شد، می روند خانم های محله شان را جمع می کنند. این خانم هایی که جمع می کنند، اول با اینکه حداقل چهار، افراد اول که باید زیر سی نفر نباشد، دیگر نهایت اعضای هر «بیت الزهرا» یی باید سی نفر باشد. از این سی نفر باید حداقل چهار نفر از این ها تحصیلات دانشگاهی داشته باشند.

این هایی که تحصیلات دانشگاهی دارند، یکی به عنوان رابط خانواده، یکی به عنوان رابط جذب، یکی به عنوان رابط جمعیت، حالا دیگر مسئولیت هایشان مشخص می شود.

بعد از اینکه این تکمیل شد، ما برای افتتاحش می رویم حالا، از آن طرف هم با حوزه ی علمیه صحبت می کنیم، با طلبه هایی که پا یکارند، تخصص دارند و علاقه مند هستند؛ با این ها هم جدا صحبت می شود، جدا بهشان گفته می شود که چه کاری باید انجام بدهند و چطور باشد. ما سعی می کنیم که در هر محله ای که یک بانی مشخص می شود، سخنرانی که می خواهیم برای این ها بفرستیم، سخنرانی باشد که نزدیک به همان محله باشد و مشکلی پیش نیاید.

تا این جا که، خب بعد از اینکه برای افتتاح رفتند، کل توضیحات آن جا داده می شود و اینکه هر کدام از این افرادی که یک سری مسئولیت هایی را قبول کردند، مثلا رابط جذب، رابط جمعیت، رابط خانواده و... و این ها چه کاری باید انجام بدهند. خب ما در مجموعه یک نفر به عنوان دبیرخانه ی «بیت الزهرا» ها قرار دارد، که این روزانه همه ی «بیت الزهرا» ها را رصد می کند؛ که خب در فلان «بیت الزهرا» ها چه اتفاقی افتاده است؟ چه کاری کردند؟ موضوعشان چه بوده است؟ افرادشان افزایش داشته است؟ ریزش داشته است؟ ریز به ریز این ها، روز به روز دارد انجام می شود. چون که ما خب، برنامه ی همه ی «بیت الزهرا» ها را داریم که چه روزی برنامه دارند؟ کدام محله است؟ و چه سخنرانی باید حضور پیدا کند؟ کارهای هماهنگی اعضایشان، سخنرانان دیگر با خود بانی است؛ ما فقط الان یک رصد کامل نسبت به «بیت الزهرا» ها داریم که چه کاری دارند انجام می دهند.

بعد، خب گفتم که ما یک زمانی خودمان می رفتیم افراد را پیدا می کردیم و ازشان می خواستیم که در این امر خیر با ما شریک باشند؛ اما الان جوری شده است که افراد، دیگر خودشان متقاضی هستند و ما از طریق همین افراد «بیت الزهرا» ها توانستیم کنشگری های استانی زیادی انجام بدهیم. خب ما یک جایی گفتیم شاید یک جایی، خود مثلا حوزه ی علمیه، شاید دیگر نتواند با ما همکاری کند، یا مثلا کمبود طلبه پیدا کنیم، کمبود سخنران باشد؛ ما آمدم دوره ی آموزشی تربیت مربی را در طی مثلا، حدود مثلا دو ماه راه انداختیم؛ افرادی از کل استان ثبت نام کردند که متقاضی بودند که این کار را انجام بدهند

ما اولین شرطی که برای این مربیان گذاشتیم این بود که این مربیان باید به ما تعهد بدهند که حداقل کارآموزی، سه جلسه را داخل «بیت الزهرا» های ما بروند و تدریس کنند، تا ما مثلا بتوانیم با آن ها بتوانیم همکاری های لازم را داشته باشیم؛ یا آن ها حالا می خواهند با ما همکاری کنند یا نه.

وقتی دوره ی این ها طی بهار و تابستان پارسال تمام شد، همه ی این ها را ما فرستادیم «بیت الزهرا» های مختلف و تدریس کردند و تعدادی از این ها خودشان قبول کردند که از این به بعد می خواهند به عنوان سخنران «بیت الزهرا» ها با ما باشند و این یک کم از دغدغه ی ما کمتر کرد که اگر خدای نکرده، جایی کمبود استاد پیدا کردیم، به مشکل برنخوریم.

خدا را شکر الان دیگر، حالا تا هفته ی قبل این جوری شد که ما الان دیگر کمبود سخنران نداریم؛ علاوه بر اینکه اصلا کمبود نداریم، اضافه هم داریم که خیلی تمایل به همکاری دارند. یا اینکه ما الان در بحث

همین بحث عفاف و حجاب، یک طرحی راه انداختیم با بچه ها، خود تعداد زیادی که نیاز به همکاری داشتیم و خانم های «بیت الزهرا»ها بودند، که آمدند. ما فقط یک مانور داشتیم و بدون اینکه ما بخواهیم مثلا تذکر بدهیم، یا هرچیزی، یک فقط آقا، یکیشان این بود مثلا بچه ها با هم دوست هستند، «بیت الزهرا» هستند، یا خودمان، بعضی فقط یک دور زدیم؛ بدون اینکه ما بخواهیم تذکر بدهیم یا هر چیزی، یک کاری را انجام بدهیم، این کار یک ساعته باعث شد بدون تذکر خیلی از خانم هایی که حالا یک خرده حجابشان بد بود، خودشان رعایت می کردند. خب این یک کار خیلی خوبی بود که برای ما اتفاق افتاد.

یا مثلا مادر بحث جمعیت، خب به این مشکل برخوردیم که کمبود کنش گر داریم و باز بچه های زیادی از دل همین خود «بیت الزهرا»های استان و شهرستان ها آمده بودند پای کار، دوباره محکم تر، آمدند چون که خب ما شاید دسترسی های مداوم به شهرستان های مختلف مان نداشته باشیم و فقط همان تماس تلفنی با همان رابط اصلی باشد. این دیگر وظیفه ی خودش را می داند، یا حالا مثلا خانم های فعالشان، محجبه شان و مجموعه های گوناگونی را که دارند، دیگر شناسایی می کنند و دارند با هم کار می کنند. طوری که الان در شهرستان «گچساران» ما الان دیگر واقعا خودشان دارند «بیت الزهرا»ها را مثلا دیگر تشکیل می دهند، می روند، بدون اینکه مثلا ما بگوییم آیا فلانی چه کار کردی؟ چه شد؟ تعداد «بیت الزهرا»هایتان چطور است؟ دیگر، ما دیگر الان این کار را نمی کنیم؛ فقط الان داریم یک کار راهبردی ای انجام می دهیم؛ اینکه دیگر بخواهیم بیاییم کارهای عقب، کارهایی که دیگر عقب تر است را انجام بدهیم را انجام نمی دهیم. الان دیگر در دوره

های مختلف، در همایش های مختلف، کنش گره های ما تربیت شدند و الان دیگر خودشان دارند گروه تشکیل می دهند، کار انجام می دهند. اینکه خیلی کلیات این بود و جدا از اینکه ما فقط خانم هایی که متاهل هر محله هستند را پوشش ندادیم؛ کنارش آمدیم برای کودکان و جوان و نوجوان هم برنامه ریزی هایی انجام دادیم در مقطع های مختلف؛ مثلا بچه هایی که زیر شش سال، هفت سال هستند؛ برای این ها «گل های باغ بهشت» تشکیل شد.

کار «گل های باغ بهشت» از اول این طور بود که فقط در یک جا بچه ها می آمدند ثبت نام می کردند، هفته ای یک روز را برای این ها مثلا کلاسی متناسب با سن این ها مربی ما آموزش می داد. اول این طور بود؛ ولی خب تعداد «بیت الزهرا» های ما به یک تعدادی، به یک حدی که رسید ما در هر «بیت الزهرا» یی یک مربی مهد کودک شناسایی کردیم که هر «بیت الزهرا» یی خودش دیگر مهد کودک داشته باشد؛ یک چیزی مثلا مثل همان «گل های باغ بهشت» که الان دیگر مدیر آن کسی که به عنوان مربی مسئول «گل های باغ بهشت» ما بود، الان فقط دیگر کار راهبردی این را انجام بدهد.

یا اینکه مثلا کار «سه شنبه های زهرایی» ما مختص بچه های ابتدایی از هشت سال تا دیگر سیزده سال است. این ها هم بچه های خودمان آمدند یک پک تربیتی_آموزشی_هنری طراحی کردند؛ حالا از جاهای مختلف کمک گرفتند، مطالعه کردند و یک طرح نویی را خودشان خلق کردند که ما این کار را انجام بدهیم. که خب در ایام تا پاییز و زمستان بچه ها بیش تر درگیر مدارس هستند، یک خرده ارتباط کمتر می شود و بیش تر این برنامه برای بهار و تابستان است که «سه شنبه های زهرایی» هم

طبق همان حالا مثلا «بیت الزهرا» ست ولی با یک اسم دیگر. «سه شنبه های زهرایی» دیگر در روز سه شنبه در یک ساعت خاص برگزار می شود. بچه های ما، بچه هارا، خب دیگر می گویم ما الان دیگر مشکل شناخت افراد را نداریم. محتوا را هم داریم، فقط داریم کار را می بریم اگر خدا بخواهد می بریم جلوتر. ما مثلا دیگر فقط تماس می گیریم، خانم فلانی شما در «بیت الزهرا» یتان چند تا دختر جوان و نوجوان دارید که مثلا در این رده ی سنی هستند؟ و یا مثلا خانم فلانی می گوید مثلا من این تعداد را دارم، بعد ما می گوئیم این برنامه را برایشان داریم. دیگر برایشان توضیح می دهیم، آن ها می آیند ثبت نام می کنند و کار «سه شنبه های زهرا» یی، روزهای سه شنبه انجام می شود.

اول این طور است که طی یک ماه، یک ماه و خورده ای، بچه ها تحت آموزش توسط یکی، دو تا مربی قرار می گیرند؛ بعد این ها تقسیم بندی می شوند. مثلا هر مربی بعد از اینکه دوره ی کلیشان تمام شد، هر مربی پنج نفر شش نفر را تقبل می کند و در طول سال کارهای متفاوتی برای رشد شخصیتی و همه جور شخصیتی این ها، هرطوری که باشد، با آن ها کار می کند.

و دوباره آمدم ما برای دختران جوان و نوجوان که حالا می شود دوران راهنمایی و دبیرستان. تحت عنوان «بچه های رستا» کار می کنند. این ها دیگر، ما این ها را دوباره توسط مدارس، توسط خود «بیت الزهرا» ها شناسایی شده بودند یا مداوم در برنامه ها شرکت می کردند که ما دوست داریم کار کنیم، همکاری داشته باشیم. اسم این ها را یادداشت می کردیم، دیگر داشتیم یا مثلا به ما خود بچه های گروه «رستا»، مربی «رستا» معرفی می کردند.

این ها بعد از اینکه آموزش دیدند، باید در خود محله شان، مدارسشان بروند، گروه تشکیل بدهند. گروه تشکیل بدهند و کار کنند. خب یک مدت کوتاهی اول روی این بچه ها کار شد که خدا را شکر خانم هایی، جوانان و نوجوانانی که آمدند پای کار، خودشان واقعا هم اهل مطالعه بودند، هم دغدغه داشتند و آن حس درونشان ایجاد بود که الان ما می تونیم روی این ها حساب کنیم و کار را با این ها ببریم جلوتر.

امسال یک کار خوبی که توسط بچه های «رستا» ی ما اتفاق افتاد، کار «خیمه ی مقاومت» بود که کلی ایده خودشان دادند و ایده های خودشان پیاده شد، در «خیمه ی مقاومت» انجام دادند...

خدا رو شکر نوجوان ها و جوان هایی که او مدن پای کار خودشون هم اهل مطالعه بودن و هم دغدغه داشتند. این حس درونشون بود که ما می تونیم روشون حساب باز کنیم و کار را جلو ببریم.

امسال یک کار خوبی که توسط بچه های رستا اتفاق افتاد، خیمه ی مقاومت بود. کلی ایده خودشون دادن و در خیمه ی مقاومت اجرا شد. بدون اینکه کسی کمکشون کنه کار رو جلو بردن.

این اتفاقات اجماعی و کلی بود که توسط خود بیت الزهرا رقم خورد بدون کمکهای حاکمیتی. بعد اغتشاشات، خانم ها بیشتر نگران بودند و می آمدند می گفتن ما چه کاری می تونیم انجام بدیم. از همین خانم ها بانی بیت الزهراها انتخاب می شدند.

الان هم برنامه هایی برای نگهداشتن این خانم ها و دلسرد نشدنشون داریم. مثلا جلسات سخنرانی برای رابطین جذب و بانی

بیت الزهراها جدا داریم. رابطین جذب الان نقطه ی امید ما هستند؛ چون علاوه بر جذب افراد و افزودن به تعداد بیت الزهراهای محله ی خودشون، برای محلات دیگر هم اگر آشنایی دارند یا هر کمکی میتونن انجام بدن که محلات دیگر هم خالی از بیت الزهرا نمونه. بحث امتیاز دهی رو برای بیت الزهراها اجرا کردیم؛ مثلا در حیطه ی مداومت برنامه ها، محتوا، جذب افراد و حل مشکلات و حیطه های مختلف سالانه یا هر چند ماه یک بار امتیاز دهی و بعد تشویق می کنیم. این انگیزه ای برای پای کار بودن بیت الزهراها شد. از طرفی برای این ها مشاوره با روان شناسان خوب استان را صحبت کردیم که رایگان ارائه بدن.

طرح نذر چادر راه انداختیم. اگر خانمی میتونه چادر تهیه کنه، تهیه کنی اگه نمیتونه هر ماه مبلغی رو نذر کنه تا ما به خانم هایی که تازه میخوان محجبه بشن، چادر هدیه بدیم. کمک کردیم با قیمت خیلی پایین این کار انجام بشه. این کار را به بیت الزهراها سپردیم که توسط افراد بیت الزهرا انجام بشه. خیلی میومدن میگفتن که در اثر کارهای بیت الزهرا زندگیمون عوض شد یا پوششمون تغییر کرد. مثلا بعضی بیت الزهراها میگفتن ما چند نفر خانم بدحجاب داشتیم که الان محجبه شدن و نمیتونن چادر بخرن، ما کمک می کردیم.

کار ما همیشه آموزشی نبوده و در کنارش کارهای اردویی، مناسبی و جشن های دوره می که همه ی بیت الزهرایی ها دور هم جمع بشوند را داریم. یکی از این جشن ها در میلاد امام زمان اتفاق افتاد و هنوز هم خیلی بابتش تشکر می کنند.

این ها کارهای تشویقی هست که ما کنار بیت الزهراها انجام میدیم. حالا سعی کردم کلیات بگم اگه سوالی باشه در خدمتم.

دقیقا در کدام شهر شما حضور داشتید؟

مادر استان کهگیلویه بویراحمد در یاسوج هستیم.

الان چندتا از این بیت الزهراها شکل گرفته؟

الان شاید صد و خورده ای شکل گرفته باشد. البته غیر از اون هایی

که تشکیل پرونده شده و قراره دهه کرامت افتتاح کنیم.

بحث اشتغال زایی به چه صورت هست؟

کارگاه های عروسکی و تولید پوشاک اسلامی.